

شخصیت فریدون



منصوره غلامی حنایی
کارشناس ارشد
زبان و ادب فارسی
و دبیر ادبیات دبیرستان‌های
شیراز

چکیده

فریدون، این پادشاه پیشدادی و اسطوره‌ای، در ادبیات ما نماد شکوه، قدرت و پیروزی است. در منابع کهن ودایی، اوستایی، پهلوی، فارسی و عربی جلوه‌های گوناگون شخصیت اساطیری او به تصویر کشیده شده است. این روایات در برخی جزئیات با هم متفاوت‌اند اما در بن‌مایه‌ها و کلیات داستان‌ها اغلب وحدت نسبی دارند که در ضحاک، به حد کثرت و تواتر رسیده است اما در مواردی از قبیل نسبت دادن برخی امور به فریدون، به دلیل تفاوت‌ها و دگرگونی‌های فراوان روایات نمی‌توان از صدق یا کذب آنها با اطمینان سخن گفت. در این مقاله سعی شده است تمامی روایات مشابه و متفاوتی که درباره فریدون در منابعی همچون ریگ ودای هندیان، اوستا، بندهشن، شاهنامه، تاریخ طبری، اخبار الطوال، مروج الذهب، مجمل التواریخ، غرر ملوک‌الفرس، زین‌الخبار و... آمده است، بررسی شود و مورد مقایسه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها:

فریدون، اوستا، منابع پهلوی، منابع اسلامی.

فریدون یکی از باشکوه‌ترین پادشاهان
پیشدادی و اسطوره‌های ایران است که در
اکثر منابع از او به نیکی یاد شده است.
روایات مربوط به او در منابع مختلف
صرف‌نظر از پارهای از جزئیات در
کلیت امور از وحدت نسبی برخوردارند

مقدمه

برابر است. (بهار، ۱۳۷۲: ۸۸). در اوستا نام او ثراتون از خاندان ائوی است (دوستخواه، ۱۳۸۱: ۴۲۶). در اوستا درباره تولد فریدون آمده که چون پدر او دومین کسی بود که از هوم (گیاهی که از آن در مراسم نیایش نوشیدنی تهیه می‌کرده‌اند و به عنوان یک ایزد مورد ستایش قرار می‌گرفته) نوشابه ساخته است، این بهروزی بدو رسید که او را پسری زاده شد: ثراتون از خاندان توانا... (هات ۹، کرده ۷). در منابع پهلوی همچون بندهشن و مینوگ خرد نام او فریتون ذکر شده است: «فریتون ائفیان پسر پور ترا (پور گاو) پسر سیاک ترا (سیاک گاو) پسر سپت ترا (سپید گاو) پسر گفر ترا (گفر گاو) پسر رماترا پسر و نفرغشن پسر جم.» (صفا، ۱۳۷۹: ۴۶۴).

از میان آثار اسلامی، در آثار الباقیه و تاریخ طبری همین سلسله انساب ذکر شده است: «از قول شعبی شنیده‌ایم فریدون از نسل جم بود. نهمین فرزند او بود. پدرش ائفیان نام داشت. پدران فریدون تا ده پشت همه ائفیان نام داشتند؛ یکی ائفیان صاحب گاو قرمز و یکی ائفیان صاحب گاو ابلق... و فریدون پسر ائفیان پر گاو بود.» (طبری، ۱۳۷۵: ۱۵۲).

صاحبان مروج الذهب، زین‌الخبار و کامل‌التواریخ فریدون را فرزند ائفیان می‌دانند. صاحب اخبار الطوال فریدون را همان نمرود می‌داند: «کسی پیش نمرود پسر کنعان پسر جمشید شاه فرستادند و نمرود بر ضحاک پیروز شد.» (دینوری، ۱۳۶۷: ۳۰). اما در غررملوک الفرس روایت متفاوتی ذکر شده است: «در همین روزگار، زن آبتین از خاندان تهمورث پسری بزاد که پدر او را فریدون نامید» (ثعالی، ۱۳۷۲: ۵۴) که البته در اساس با سایر روایات اسلامی تضادی ندارد؛ چرا که تهمورث پدر جمشید است. و این سخن با روایت شاهنامه کاملاً مطابق است:

جهانجوی با فر جمشید بود

به کردار تابنده خورشید بود (ص ۵۷)

ز طهمورث گرد بودش نژاد

پدر بر پدر بر همی داشت یاد (ص ۶۰)

فریدون که بودش پدر آبتین

شده تنگ بر آبتین بر زمین (ص ۵۷)

و این نشانی از یکسانی منابع شاهنامه و غررملوک الفرس است. البته در روایات پهلوی، جمشید از اعقاب هوشنگ و تهمورث

فریدون از برترین و باشکوه‌ترین پادشاهان پیشدادی است. بسیاری معتقدند که «پادشاهان پیشدادی و کیانی شخصیت‌هایی سراسر غیرتاریخی‌اند و تنها در محدوده اساطیر می‌توان از آنها گفت‌وگو کرد» (بهار، ۱۳۷۲: ۸۴). اگرچه درباره فریدون و بسیاری از شخصیت‌های اسطوره‌های کهن ما سنگ نوشته‌ای بر کوه‌ها یا اثری از زیر توده‌های خاک به‌دست نیامده است، نمی‌توان وجود حقیقی آنها را انکار کرد و داستان‌های مربوط به آنان را بی‌پایه و اساس شمرد. در قدیمی‌ترین اثر ایرانی، یعنی اوستا، و این آثار کهن هندی، مانند ودا، نام فریدون ذکر شده است و این موضوع نشان می‌دهد که فریدون از شخصیت‌های هند و ایرانی قبل از مهاجرت آریاییان است. روایات مربوط به او به صورت شفاهی سینه به سینه در مناطق مختلف سکونت آریاییان به نسل‌های بعد منتقل شده‌اند و در این رهگذر، برخی داستان‌ها پروبال یافته و برخی اسامی در برخورد با لهجه‌های متنوع تغییراتی پیدا کرده‌اند. این روایات بعد از اوستا در کتب پهلوی، مانند خداینامه‌های عصر ساسانیان، بیان شده‌اند و بعدها در کتب فارسی و عربی پس از اسلام به عنوان منبع از آنها استفاده شده است. در این کتب تاریخی و نیمه تاریخی داستان‌ها با اختلافاتی بیان شده‌اند که ناشی از کثرت منابع کتبی و شفاهی نویسندگان است. در اینجا روایات مربوط به فریدون در منابع ایرانی و اسلامی مورد بررسی، تحلیل و مقایسه قرار می‌گیرد تا جنبه‌های مختلف زندگی او هرچه بیشتر بر ما آشکار گردد. از جمله این کتب، شاهنامه فردوسی است که جزئیات داستان‌های فریدون و برخی دیگر از شخصیت‌های اساطیری در آن به مفصل‌ترین شکل خود ذکر شده است. البته شاهنامه درباره برخی شخصیت‌ها همچون گرشاسب سکوت اختیار کرده است. دلیل این امر را بسیاری از محققان تلاش فردوسی برای بی‌بدیل جلوه‌دادن رستم می‌دانند.

نام و نسب فریدون

قدیمی‌ترین کتابی که در آن از اساطیر ایرانی اثری دیده می‌شود، ریگ وداست. در ریگ ودا، هندوان شخصیتی به نام «تریته» هست که ماجراهایی او با فریدون ایرانی مطابقت دارد اما لقب تریته وداپی «آبتیه» است که با «آئویه»، پدر فریدون، در اوستا

بر اساس شاهنامه نیز فریدون در نوجوانی
به البرز کوه رفت (فردوسی البرز کوه
را در هندوستان می‌داند) و پس از فتح
کاخ ضحاک در بیت المقدس، فرود آمد و
کاخ ضحاک را ویران کرد و در آنجا ماند

نبرد با ضحاک

در همه متونی که شرح حالی - اگرچه بسیار مختصر - از فریدون در آنها آمده، نابودی ضحاک به فریدون نسبت داده شده است. در اوستا تقریباً همه جا از فریدون به عنوان نابودکننده ضحاک نام برده شده است. از جمله در یشت ۸ کرده ۱۳ و ۱۴ آمده «ثرتون پسر آئوی... گفت مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر ازی دهاک سه پوزه سه کله شش چشم ... پیروز شوم... و در واسپ توانا ... او را کامیابی بخشید.» (دوستخواه، ۱۳۸۱: ۳۴۷).

در متون پهلوی مانند بندهشن و مینوگ خرد (صفا، ۱۳۷۹: ۴۴۳) و متون اسلامی نیز از این ماجرا سخن رفته است. بر اساس شاهنامه ضحاک، پادشاه ستمگر، آبتین پدر فریدون را می‌کشد و مغز او را طعمه مارهایی که بر دوشش روییده‌اند، می‌کند. وقتی ضحاک به وسیله جادوگران از نابودی خود به دست فریدون آگاه می‌شود، به جست‌وجوی او برمی‌خیزد. فرانک، مادر فریدون، فرزند کوچکش را به نگهبان گاو پرمایه می‌سپرد و او را از شیر این گاو تغذیه می‌کند. با آگاهی ضحاک از محل اختفای فریدون، فرانک با فرزندش از ایران خارج می‌شود. ضحاک نیز گاو پرمایه را کشته و همه جا را به آتش می‌کشد. چون فریدون بال برمی‌کشد، به خون‌خواهی پدر به پا می‌خیزد. مردم و از جمله کاوه آهنگر نیز که از ظلم ضحاک به ستوه آمده‌اند، با فریدون همراه می‌شوند و علیه او به پا می‌خیزند و ضحاک را نابود می‌کنند. در اوستا و بیشتر منابع اسلامی از جزئیات داستان مطلبی ذکر نشده است.

درباره انگیزه جنگ فریدون علیه ضحاک در برخی منابع علاوه بر گرفتن انتقام پدر، گرفتن انتقام خون گاو پرمایه نیز ذکر شده است:

فریدون به خورشید بر برد سر
کمر تنگ بستش به کین پدر (ص ۶۶)
همان گاو پرمایه کم دایه بود
ز پیکر تنش همچو پیرایه بود
ز خون چنان بی‌زبان چارپای
چه آمد بر آن مرد ناپاک را

ادامه مطلب در وبگاه نشریه

برادر اوست (صفا، ۱۳۶۹: ۴۴۶). این موضوع نشان می‌دهد فردوسی در این باب به متون پهلوی توجهی نداشته است. تنها در شاهنامه نام مادر او «فرانک» ذکر شده است:

فرانک بدش نام و فرخنده بود

به مهر فریدون دل آکنده بود (ص ۵۸)

در مجمل‌التواریخ (ص ۲۷) نیز نام مادرش «فری رنک» دختر طهور ملک جزیره بسلاماجین آمده است.

مطابقت فریدون با پیامبران سامی

هر یک از متون تاریخی دوره اسلامی فریدون را با یکی از پیامبران سامی برابر دانسته‌اند؛ طبری می‌گوید: «به پندار بعضی نسب‌شناسان نوح همان افریذون بود که ازدهاق را مغلوب کرد. بعضی گویند افریذون سلیمان پسر داوود بود. بعضی پنداشته‌اند ذوالقرنین حریف ابراهیم بود که در بئرالسبع بمرد و در قرآن آمده است.» (طبری، ۱۳۷۵: ۱۵۳)

در کامل‌التواریخ آمده است: «نوح همان فریدون بود که ازادی هاک را سرکوب کرد و برخی پنداشته‌اند که فریدون همان دو شاخ‌دار (ذوالقرنین) دوست ابراهیم است. من از این‌رو نام او را در اینجا آورده‌ام که داستان او با فرزندان سه‌گانه‌اش همانند داستان نوح است.» (ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۹۰).

صاحب اخبار الطوال نیز می‌گوید: «مرود همان کسی است که ایرانیان او را فریدون می‌نامند.» (دینوری، ۱۳۶۷: ۳۰). بلعمی نیز جد فریدون را از همنشینان نوح در کشتی می‌داند: «و از فرزندان جمشید جوانی مانده بود با خرد و دانش و نیکو روی و بر دین نوح بود و با نوح به کشتی اندر و از آن هشتاد تن بود. چون از کشتی بیرون آمده بود، او را فرزندان آمدند و از نسل او جوانی مانده بود که به وقت ضحاک بگریخته بود.» (بلعمی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

اما صاحب مجمل‌التواریخ ضمن ذکر روایات گوناگون در این مورد، تمامی این انطباق‌ها را رد می‌کند و محال می‌داند.

(بی‌نا، ۱۳۸۱: ۴۳)

نویسندگان اسلامی هر یک از اتفاقات زندگی فریدون را با یکی از رویدادهای پیامبران سامی مطابقت داده‌اند. در این میان، در غرملوک الفرس، زین‌الخبار و مروج‌الذهب مانند شاهنامه از این انطباقات سخنی به میان نیامده است.

